

دیدار با «محمدصالح عبدالصمدی» کلکسیونر ۸۱۰۸ مداد

ارتش مدادها

شرکت لیرا آل‌بومی از مدادهای تولید ۱۸۰۶ تا ۲۰۰۶ به این کلکسیونر هدیه کرده است



محمدصالح عبدالصمدی در منزلش در تهران

شیروان یاری اقلیش به عشق مداد می‌تپد، وقتی از زیبایی‌های مداد و فرآیند تاریخی ساخت نخستین مداد جهان به دستان یک نجار انگلیسی سخن می‌گوید، چانه پیرایش می‌پزند و شبنم شوق به داشتن کلکسیون مدادهای سیاه جهان، در چشمانش برق می‌زند.

«محمدصالح عبدالصمدی» کلکسیونر «۸۱۰۸» مداد سیاه معمولی، طراحی، نقاشی و نقشه‌کشی در شهر سنندج است که از دوم ابتدایی با عشق مداد می‌خرد و در دیف‌های ۳ و ۴ تا بی‌الوم‌هایش به یادگار می‌گذارد، اگر چه گذر عمر قامت ایستاده او را خم‌انده است اما چون قامت ارتش مدادها، راست‌قامتی می‌ایستد و داستان کشف گرافیت و ساخت مغز مداد در اشکال گوناگون با رنگ و لعاب‌های زیبارا روایت می‌کند.

نخستین مداد را سال ۱۳۲۷ با مارک «تالو» از لوازم‌التحریر سنندج‌خردین سنگ‌بنای نخستین شاه‌بیت شعر دل‌باختگی او به مداد شد.

دیوار اتاق نشیمن خانه این کلکسیونر، مزین به رنگین‌کمان مدادهاست، از کف تا سقف دیوار با رقص رنگ‌های مداد، رنگین شده است و مسیر باریک هال به اتاق کار و خواب نیز منقوش به انواع مداد ۴۹ کشور جهان است.

موج‌های نوستالژیک مدادها بر ساحل اقیانوس خاطرات کودکی می‌کوبد، هر یک از مدادهای نصب‌شده بر دیوار زندگی‌های مرد عاشق شناسنامه‌ای دارند، شماری از مدادها ۲۱۰ ساله‌اند؛ همچون مداد «لیرا» آلمان تولید سال ۱۸۰۶ میلادی.

صالح، مداد را نماد عشق می‌داند و معتقد است با همین سیاه مداد، آثار جاودانه پیکاسو، داونچی و فرشیجان خلق شده است و شاید بزرگان ادبیات و شعر نیز قبل از تارو پودهای مدرن‌تبه-تایپ با مداد شخصیت‌های رمان خود را خلق و خوانندگان را متحیر کردند.

این عاشق مداد، از تکنولوژی و فضای مجازی به دور است و نمی‌داند که در بیرون اتاق ۱۲ متری او چه می‌گذرد! تنها می‌داند که سال ۸۴ مردی از کشور اروگوئه، با ۶ هزار و ۸۸۵ مداد، رکورد گینس است، در ذهن خود فکر می‌کرد که او با ۸۱۰۸ مداد از این کلکسیونر اروگوئه‌ای بیشتر است اما هنگامی که از ما می‌شوند که آخرین رکورد گینس از آن مردی است به نام «میلیو آرناس» با جمع‌آوری ۱۴ هزار و ۵۵۲ مداد سیاه از ۶۰ کشور جهان، سگرم‌مادش در هم فرو می‌رود و بغض می‌کند.

این مرد ۷۷ ساله مدعی است در تیراز کلکسیون مدادهایش به لحاظ قدمت در ایران اول است و در سابقه جمع‌آوری مداد در جهان حرف اول را می‌زند.

صالح، افزون بر مدادهای اوخته بر دیوار زندگی، ارتش مدادها را در ۲۰۶ آلبوم ۵۲ تا بی‌الوم‌های جاسازی و آلبوم‌ها را در ۱۱ کارت‌ن در اتاق خواب تا سقف روی هم چیده است و شب‌ها تا زمان بزم‌بندان بلک‌های خسته و فراتر زندگی به کارت‌ن‌های حاوی ۶۸ سال رنج و امید دل می‌زند.

به گفته عبدالصمدی، هیچ نوع مدادی در کلکسیون او تکراری نیست و تمام مدادها با مارک‌های ۴۹ کشور جهان از لوازم‌التحریری‌های استان‌های کشور ایران خریداری و در کلکسیون جاسازی شده‌اند.

در کلکسیون او، کشور چین با ۲ هزار و ۵۹ مداد اول، ایران با یک هزار و ۳۵۶ نوع مداد دوم و آلمان با یک هزار و ۳۲۲ مداد در رده سوم قرار دارد؛ مابقی مدادهای سیاه در جنس، شکل و رنگ‌های مختلف به ترتیب مربوط به ژاپن، کره جنوبی، ژاپن، انگلیس، هلند، آمریکا، کانادا، فرانسه، آلمان، اسپانیا، برزیل، پاکستان، روسیه، اتریش، چک، اسلواکی، سوئد، تایوان، دانمارک، هنگ‌کنگ، لهستان، مکزیک، مصر، مالزی، هلند، مجارستان، سوریه، شیلی، ویتنام، ایتالیا، بلژیک، عراق، تایلند، اردن، بلغارستان، برتغال، یوگسلاوی، الجزیره، پاناما و بلاروس است و شماری از مدادها نیز با آرم و نشان سازمان یونسف به چشم می‌خورند، اما مشخصات شماری از مدادهای این کلکسیونر سنندجی، نامعلوم ثبت شده است.

محمدصالح عبدالصمدی در حفظ کلکسیون مدادهایش بسیار حساس است و کابوس دست‌برد به مدادهایش تائبی‌ای او را هانمی‌کند.

هراس سرت‌ت از کلکسیونر، بدترین دردی است که بر رخسار پیرانه پیری صالح هویداست، چرایی و چگونگی تجربه این سرت‌ت، بغض فرو خفته مرد ۵۰ ساله‌رامی‌تک‌راند.

درد دزدیدن دو مداد از مجموع چهار مداد ژاپنی، هنوز بعد از گذشت ۵۰ سال از این واقعه او را غمگین می‌کند. در یکی از آلبوم‌های این مرد شیفته کلکسیون مداد، جای این دو مداد با رایحه بوی گل یاس خالی است، مدادهایی که اگر روپوش شیشه‌ای را از محل پاک‌کن آن بردارید گل‌فروزی رنگ یاس ایستاده‌دل کوپری رنگ پاک‌کن، فضای خانه را بعد از گذشت ۵۰ سال از زمان ساخت این مداد، آغشته به شمیم گل یاس می‌کند.

این نگهبان مدادها، در این ۵۰ سال هنوز نتوانسته جای خالی این دو مداد زاپنی را پر کند و تنها با چسباندن دو عکس از این دو مداد، قاب خاطرات زندگی‌اش را بازنمایی می‌کند.

این تنها تجربه مزمزه کردن طعم بادام تلخ دست‌برد این مرد کیمیاگر مداد نیست؛ بلکه از چهار نوع مداد جشن ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی، منقوش به عکس رضاخان، محمد رضا پهلوی، فرح پهلوی و رضا پهلوی، دو مداد منقوش به تصویر پهلوی اول و همسرش نیز از کلکسیون او به سرت‌رفته و جای این مدادها هم در آلبوم خالی مانده است.

بسه عقیده این کلکسیونر، بهتر و معروف‌تر از مارک‌های «Lyra» و «Faber Castell» ساخته کشور آلمان، مدادی در جهان وجود ندارد و به گفته او نخستین مدادی که در سال دوم ابتدایی او را مجذوب و شیفته جمع‌آوری مداد سیاه کرد، مارک لیرا بود.

این مرد آرونده مدادها، درخت سرو کانادا را نخستین سازنده مداد، تجاری به نام «استدلر» در نورنبرگ آلمان است اما به گواهی تاریخ، ساخت مدادهای اولیه از جنس گرافیت خالص بدون چوب به ۳۰۰ سال پیش در انگلستان برمی‌گردد.

عبدالصمدی در تورق تاریخ تحول و دگرگونی در کلکسیون رنگین‌کمانی مدادهای این مرد،

پروسه ساخت مداد معتقد است که در دوران خصومت بین انگلستان و فرانسه بعد از انقلاب فرانسه فرآیند ساخت و نوع مداد سیاه به وسیله کنته شیمیدان فرانسوی متحول شده است تا جایی که در سال ۱۷۹۵ میلادی این شیمیدان فرانسوی با پختن مخلوط گرافیت و خاک رس، مدادهای طاری مغزی باروکش چوب به بازار مصرف عرضه کرد.

به گفته این کلکسیونر سنندجی، اگر مغز مداد را بعد از پختن به موم آغشته کنند، کار و اثرش بدوام‌تر می‌شود و همین دلیل امروزه کارخانه‌های بی‌شماری در سراسر جهان از این فرمول برای ساخت مدادهای بی‌شماری می‌کنند.

عبدالصمدی درحالی که مداد مخروطی شکل لیرا آلمان را چون دویک در دو کف دست می‌ساید از زیبایی و مرغوبیت چوب سرود در ساخت مداد سخن می‌گوید و از دیدگاه او چوب اکثر مدادهای امروزی جهان از چوب درخت سرو است؛ زیرا رنگ‌های آن مستقیم و به‌علاوه تراشیدن مداد آسان‌تر است.

این مرد آرونده مدادها، درخت سرو کانادا را مرغوب‌ترین چوب برای روکش و لعاب‌زنی مدادها می‌داند و می‌گوید: اگر مغزی مداد با چسب در داخل این نوع چوب محکم‌شود، هنگام فشار به نوک، مغزی مداد تکان نمی‌خورد.

عبدالصمدی در تورق تاریخ تحول و دگرگونی در کلکسیون رنگین‌کمانی مدادهای این مرد،

انواع مداد در قطع گرد یا ۶ ضلعی به چشم می‌آید که به گفته او مدادهای ۶ ضلعی به‌خاطر غلت نخوردن در جیب، بیشتر در ادارات، کارگاه‌های طراحی (فرش) و نقاشی کاربرد دارد و قلم‌های گرافیکی، معمولاً در مقطع چهار گوش و بیضی یا نوک‌نظر تخت ساخته می‌شوند.

از منظر این عاشق ۷۷ ساله، در چه‌مغزی مداد بسته به نوع مخلوطی گرافیت و خاک رس متفاوت است و مدادها در درجات مختلف سختی، نرمی و سیاهی ساخته می‌شوند.

تمام مدادهای کلکسیون او از نوع مدادهای معمولی، طراحی، نقاشی و نقشه‌کشی است اما ۸۰ درصد، نوع مدادهای این کلکسیونر از نوع مدادهای سیاه معمولی و مابقی از جنس مدادهای طراحی، نقاشی و نقشه‌کشی است.

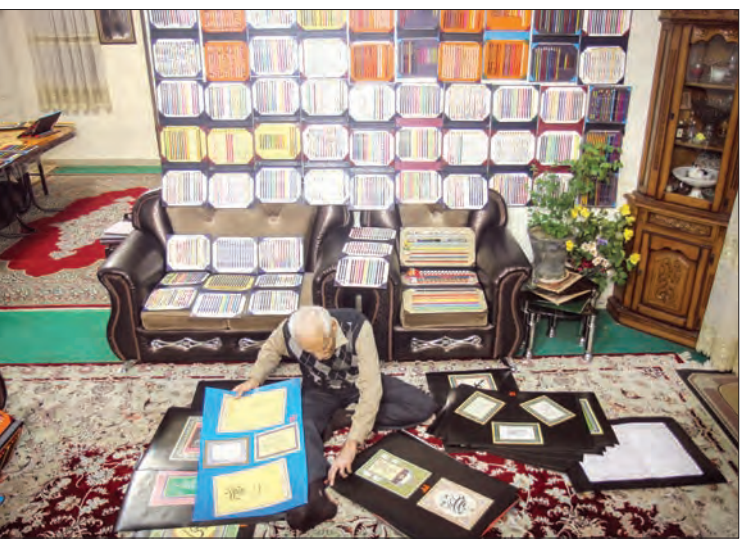
عبدالصمدی هنوز با سگرم‌های در هم فروخته از خاطرات دزدی، با انگشت اشاره و شست، نوک مدادی را می‌ساید و می‌گوید: اگر میزان خاک رس بیشتر و گرافیت کمتر باشد، مغزی مداد متمایل به خاکستری می‌شود اما جنس این نوع مداد بسیار سخت است و می‌توان نوک آن را بسیار تیز کرد ولی اگر مخلوط گرافیت بیشتر و خاک رس کمتر باشد، مغزی مداد سیاه‌تر و نرم می‌نماید، نوک آن زود ساییده می‌شود و خطوط این مدادها هم خیلی دقیق نیست.

انواع مداد در قطع گرد یا ۶ ضلعی به‌خصوصی ساخته می‌شوند و کارخانه‌های مدادسازی، مدادهای با درجه سختی «B» و درجات مختلف سیاهی را «D» نام‌گذاری می‌کنند.

مدادهای B و h بر کدام تا ۶ شماره دارند و h و b9 حد وسط آنهاست، گاهی در جرات مدادها به h9 و b9 نیز می‌رسد، مداد f، مدادی است که در جایش بین h و hb قرار می‌گیرد.

مدادهای سخت را معمارها و نقشه‌کش‌ها مورد استفاده قرار می‌دهند و مدادهای نرم در طراحی و اسکس کاربرد دارند. طراحان گرافیک معمولاً مدادهای 4 تا 6B را برای کار و خلسق آثار هنری خود مطلوب‌تر می‌دانند این دیدگاه و نظر عبدالصمدی در مورد کار بر مدادهاست.

به گفته او، مغزی مدادهای طراحان و نقاشان سخت‌تر از مغزی مدادهای معمولی است، اندازه استاندارد قطر مداد طراحان ۲ میلی‌متر، اما مغز مداد دست‌نقاشان از ۳ تا ۴ میلی‌متر گزارش شده است. مرد تکیده، شیفته رقص مداد «گرد» در دستان آفرینشگر نقاشان و مدادهای ۶ گوش در کف دست علاقه‌مند طراحان ایران و جهان است و طرح‌زدن زیبایی‌شناسانه، شماری از کارخانه‌ها که مدادهای نقاشان و طراحان را تخت یا مغزی مستطیلی می‌سازند تا خطوط این نوع مدادها پهن و تخت



محمدصالح عبدالصمدی در منزلش در تهران

بنمایان‌داری ستاید. از منظر عبدالصمدی، بر کاربردترین نوع مداد hb معمولی با مغزی سیاه است که اکثر دانش‌آموزان مشق‌های خود را در روزهای نخست مدرسه و دوران ابتدایی با این نوع مداد نگاشته‌اند.

این کلکسیونر از تراشیدن دو سر مداد در دوران کودکی متنفر بوده و این نوع رفتار دانش‌آموزان را نوعی تحقیر به جایگاه والای مداد می‌داند. با خنده می‌گوید: «یاد بساد آن روزگاران که به دانش‌آموز مداد دوسر تراشیده‌لقب-تنبیل-می‌دادند؛ چون این واژه برآزنده این افراد است.»

او نگاشتن با مداد سیاه معمولی در نخستین روز مدرسه را به‌نماینده طلوع خورشید بر سرزمین تاریکی دوران جهالت بی‌سوادی می‌داند و به عقیده او خطوط کج و معوق دانش‌آموزان پایه اول دبستان را تنها مدادهای مرغوب با گرافیت خالص، تاب می‌آورد و دانه‌های باقوت آثار را بر سر دختر بی‌حوصلگی زندگی تحصیلی آنان سرخ می‌کند.

عبدالصمدی این کارمند ارتش بعد از بازنشستگی زود هنگام در سال ۵۷ به دلیل بیماری، به عشق مداد، مغازه لوازم‌التحریر دایر کرد و سال‌ها با هدف خرید و جمع‌آوری مداد بر صندلی سفت و سخت این مغازه تکبزه زد.

او تمام مدادهایش را از استان‌های داخلی کشور خریداری کرده می‌گوید: کلکسیونرهای جهان برای خرید مداد دنیا را آزادانه و با پشتوانه مادی می‌گردند که این امکان به دلیل ضعف بنیه مالی او سلب شده است.

وقتی که از او مورد احتمال فروش مدادهایش سوال می‌شود، اشک از چشمه غمگین چشمانش می‌جوشد و بسر گونه فراتر می‌خورد و تصمیمش برای فروش مدادها در سه دوره زمانی به دلیل مشکل مالی و تأمین پرداخت هزینه بیماری را نکوهش می‌کند.

او نرخ‌گذاری روی کلکسیون مدادها را کشیدن سخت می‌داند اما به عقیده او کلکسیون مدادهایش بیشتر از ۱۵۰ میلیون تومان می‌آورد. او اعتراف می‌کند که در سال ۴۰ «ش» یک عدد مداد آلمانی را که حداکثر قیمت آن ۵۰ ریال بوده است با ۲۰۰ ریال خریداری کرده در کلکسیون او این مداد به یادگار بماند.

محمدصالح عبدالصمدی، روزگار بازنشستگی و پیری‌اش را با بوی چوب و مغزی گرافیت مداد سیاه در اندازه، رنگ و جنس‌های مختلف می‌گذراند و هر وقت که دلش می‌گیرد، آلبوم مدادها را در اتاق و هال پهن می‌کند و به آنها خیره می‌شود.

نوع و کشور سازنده مدادها را در چند دفتر به ترتیب حروف الفبا فهرست‌بندی کرده و در زمان دل‌تنگی برای هر نوع مداد از هر کشوری به این دفتر که در فرم و شکل فرهنگ لغت طراحی شده مراجعه کرده و مداد مورد نظر را از کارت‌ن بیرون می‌کشد و بر آن دست می‌ساید.

در کلکسیون او انواع مداد در اندازه‌های کوچک، متوسط و بزرگ با لعاب‌های مختلف به چشم می‌آید که بر خ‌ی از مدادهای فرم‌زیبایی‌دارند که ساعت‌ها چشم‌بیننده را سحرآمیزانه، مجذوب می‌کند.

محمدصالح عبدالصمدی در ۱۱ اردیبهشت‌ماه سال ۱۳۱۸ «ش» از یک خانواده فرهنگی چشم به جهان هستی گشوده و با داشتن دو مدرک تحصیلی دیپلم فرهنگ و دیپلم زبان انگلیسی سال هادر ارتش خدمت کرد. است. تنها از روی این مرد خریدار کج تنهایی، ثبت کلکسیون مدادهای او نه در گینس بلکه در ایران است، کاری که تا کنون هزاران بار به مدیران فرهنگ و ارشاد اسلامی و میراث فرهنگی دولت‌های یکم تا یازدهم بعد از پیروزی انقلاب اسلامی پیشین‌ها داده است اما تنهایی نفع‌دهاند و تنها یکبار در دهه ۸۰ «ش» کلکسیون مدادهای او در نگارخانه فرهنگ و ارشاد اسلامی سنندج به نمایش گذاشته شده است. درحالی که مسئولان کردستان و کشور به احترام سال‌ها رنج و عشق این کلکسیونر در پستی نامور، تنهایی کلاه از سر نیمی‌دارند، شرکت لیرا آلمان، سازنده معتبرترین مارک مداد در جهان، در سال ۲۰۰۶، ارزنده‌ترین آلبوم مداد شامل پنج نسل مداد از سال ۱۸۰۶ تا ۲۰۰۶ را به محمدصالح عبدالصمدی کلکسیونر ایرانی به پاس احترام و تقدیر هدیه می‌دهد که گفته می‌شود ارزش معنوی و هنری این آلبوم شرکت لیرا بسیار بالاست و فقط دو نفر کلکسیونر مداد از دو کشور ایران و اروگوئه، این آلبوم پنج نسل مداد لیرا را در سال ۲۰۰۶ از آن خود کرده‌اند.

مریم، همسر این کلکسیونر که از سال ۴۱ مونس نفس‌های عبدالصمدی است به علاقه شوهرش احترام می‌گذارد اما از جابه‌جایی کارت‌ن‌های سنگین مداد در زمان تکان‌تکانی آزرده است.

دوپسر و دختر محمدصالح، پدر ناماد صوری می‌دانند و زمانی که ۶ نوه او به گرد پدر بزرگ برای گرفتن مدادی می‌چرخند، تماشا می‌است، او مدادهایی از آلبوم متمایز از کلکسیون خود به آنها هدیه می‌دهد و لبخند می‌زند.

۵ مجموعه‌دار برتر جهان

۱- و بخشی از زمین شخصی خود را نیز در این مورد به موزه اهدا کردند. خانواده براد ۲۰۰ اثر هنری از جف کوئز، جاسپر جون، اندی راتول و... را در اختیار دارند که به اعتقاد برخی کارشناسان هنری، نمی‌توان قیمت دقیقی برای این مجموعه تعیین کرد.

۲- پیر چن یکی از مجموعه‌داران معتبر تایوانی و صاحب کمپانی یاگتو در این کشور است. چن به دلیل مجموعه بی‌تظیر مدرن و پست مدرن خود در زمینه آثار هنری به شهرت رسیده است. این مجموعه‌دار مشهور جهانی کارش را از سال ۱۹۹۰ آغاز کرد و در سال ۲۰۰۸ میلادی ۲/۸ میلیون دلار برای خرید یک تابلوی نقاشی از لوئیس فریوید به فرانسیس بیکن پرداخت که در زمان خود رکوردی بی سابقه در این زمینه بود. این مجموعه‌دار تایوانی آثاری از اندی راتول و بسیاری از هنرمندان مشهور چین و تایوان را مثل سی تیموبلی در اختیار دارد.

۲- دبرا و لئون بلک

لئون بلک به‌عنوان مدیر شرکت تجاری آپولو گلوبال فعالیت تجاری خود را ادامه می‌دهد و همسرش دبرا نیز یکی از طراحان و سازندگان خیابان برادوی است. ارزش مجموعه این دو حدود ۳/۵ میلیارد دلار برآورد شده است. در سال ۲۰۰۵ میلادی این دو مجموعه‌دار تنها برای تصاحب تابلوی معروف پرند در آسمان ۲۷ میلیون دلار هزینه کردند که در زمان خود به‌عنوان گران‌ترین معامله بود. لئون که به‌عنوان یکی از اعضای هیأت امنای موزه هنر معاصر است، صرفاً برای ساخت یک مرکز هنری در این مجموعه حدود ۴۸ میلیون دلار هزینه کرده است.

۳- ادی و الی براد

مجموعه‌داران براد در واقع صاحبان شرکت سنان آمریکا هستند که میزان دارایی آنها براساس گزارش‌ها ۲ میلیارد دلار برآورد شده است. این مجموعه‌داران مشهور بین‌المللی در سال ۲۰۱۱ میلادی برای تجهیز و توسعه موزه لس آنجلس همکاری گسترده‌ای داشتند

مترجم: شیددا رمزی | هرچند اطلاع از دارایی و ثروت مجموعه‌داران داخلی و خارجی کار دشواری است و با توجه به راز و رمزهای موجود در زندگی آنها نمی‌توان دقیقاً از دودوتا چهار تای زندگی آنها مطلع شد اما در گزارشی اسامی پنج مجموعه‌دار هنری برتر جهان با مختصری از اطلاعاتشان منتشر شده است که مطالعه آن برای علاقه‌مندان خالی از لطف نیست.

۱- هلن و برنارد آرنات

این زوج معروف‌ترین زوج کلکسیونر منتخب سال ۲۰۱۲ میلادی از سوی موسسه LVMH در جهان هستند که با مجموعه‌های معادل ۴۱ میلیارد دلار در زمینه قطعات موسیقی و آثار هنری به شهرت رسیده‌اند. این درحالی است که هلن آرنات که خود نوازنده پیانو است، در زمینه جمع‌آوری این کلکسیون موثر بوده، به صورتی که در سال ۲۰۰۳ کامل‌ترین مجموعه از آثار هنری مور، اندی راتول و پیکاسو را در اختیار داشته است.

۵- الکساندرا و استیون کونن

خانواده کونن که به‌عنوان یکی از مشهورترین کلکسیونرهای آثار هنری از سوی موسسه SAC به دنیای کلکسیون‌ها معرفی شده‌اند، با مجموعه‌ای معادل ۹/۳ میلیارد دلار جایگاه مطمئن برای خود در این زمینه دست و پا کرده‌اند. این خانواده به دلیل سرمایه‌گذاری‌های بسیار گسترده که برای تصاحب آثار هنرمندان مشهور و بزرگ جهان انجام داده‌اند، به شهرت رسیده‌اند و در دنیای کلکسیونرها از شهرت خاصی برخوردارند. این خانواده کلکسیونر در سال ۲۰۰۹ میلادی با پرداخت ۱۳۷/۵ میلیون دلار برای خرید یک تابلوی هنری معروف مربوط به دوران قبل از جنگ جهانی اول در سطح بین‌المللی مطرح شدند و همواره به‌عنوان مهمان ویژه افتتاحیه نمایشگاه هنر بازل در سوئیس در این نمایشگاه شرکت داشته‌اند. البته نباید فراموش کرد که نام این خانواده مجموعه‌دار معتبر بین‌المللی برای خرید ۱۲۰ میلیون دلاری یکی از آثار مونه نیز دوباره سر زبان‌ها افتاد و توجه بسیاری را به خود جلب کرد.

منبع: انجمن مجموعه‌داران ایران